

چگونه می شود طبل جنگ با ایران را ساکت کرد

نشانه هایی که نشان می دهد حمله آمریکا یا اسرائیل به ایران تا پیش از به پایان رسیدن دوران ریاست جمهوری جرج بوش اتفاق می افتد، بسیاری را در اروپا، خاورمیانه و دیگر نقاط جهان نگران کرده است.

هر قدر هم که این خبرها یا راست باشد و یا شایعه هایی که بیش از حد روی آنها انگشت گذاشته می شود، به هر حال زمان آن رسیده که جلوی رخدادی که می تواند اوضاع خاورمیانه را وخیم تر کند و یا مرگ هزاران تن را در پی داشته باشد و قیمت نفت را به بشکه ای دویست دلار و یا بالاتر برساند و اقتصاد جهانی را با رکود مواجه کند، را گرفت و برای آن کاری کرد.

گوردون براون، نخست وزیر بریتانیا که در لندن و در جریان سفر آقای بوش با او گفت و گو کرد، پس از دیدار خود الزاما به قضیه جنگ اشاره ای نکرد اما گفت که اروپا موافقت می کند که تحریم های بیشتری علیه ایران، اعمال شود. بوش بار دیگر گفت که تمامی گزینه ها روی میز است و این که توپ در زمین ایران است.

در همین حال، تهران به نظر می رسد کماکان هرگونه تحریم بیشتر را نادیده می گیرد. فراتر از گفته های رسمی و بیانیه هایی که این اواخر گفته شده، خطر جنگ و حمله نظامی، موازی با تحریم بیشتر با ایران گفته می شود. بلافاصله پس از سفر هیات عالیرتبه اسرائیلی به واشینگتن، شائول موفاز، وزیر سابق دفاع اسرائیل و وزیر فعلی حمل و نقل اسرائیل به طور عمومی گفت حمله نظامی برای توقف برنامه هسته ای ایران، اجتناب ناپذیر است.

همراهان جرج بوش در سفرش به اسرائیل که در ماه مه انجام شده، گفتند که به طور مخفیانه آمریکا در حال طراحی نقشه های حمله به ایران است. این خبر در رادیو نظامی اسرائیل اعلام شد و پس از آن جروزالم پست خبر آن را داد و متعاقب آن در سایت ها و وبلاگ های آمریکایی خبر انعکاس یافت.

همچنین ماه گذشته آسیا تایمز در خبری گفت سناتور دموکرات، خانم دایان فاینستاین، از ایالت کالیفرنیا و ریچارد لوگار، سناتور جمهوریخواه ایندیانا در جلسه ای محرمانه، خبر از حمله نظامی آمریکا به ایران داده اند. البته هدف آن حمله تاسیسات هسته ای ایران گزارش نشده بود اما گفته بودند علیه مقر اصلی نیروهای سپاه پاسداران قرار است این حمله انجام شود. این روزنامه، گزارش داده بوده که غرض از این حمله، فرستادن پیامی به ایران بوده که عملیات علیه نیروهای آمریکایی در عراق را متوقف کنند. نمایندگان هر دو سناتور، به شدت این خبر را تکذیب کردند.

برای حذر از چنین گفت و گوهای آتشباری، غرب باید به مسابقه رسیدن ایران به سلاح هسته ای، پایان دهد، آن هم نه از راه زور، اما از راه درخواست شفافیت جدی و توسل به دیپلماسی خلاقانه.

از جمله راه هایی که باید به طور جدی لحاظ شود، گفت و گوی مستقیم و درک دوطرفه میان ایران و آمریکا است تا مسایلی که از زمان وقوع انقلاب در ایران میان تهران و واشینگتن مانده، حل شود. دو طرف از زمان سرنگونی سلطنت شاه در ایران و وقوع حادثه گروگانگیری دیپلمات های سفارت آمریکا در تهران، مسایل زیادی میان یکدیگر دارند.

یک قدم فوری از سوی دولت بوش (که به نظر می رسد این کار را نکنند) این است که نظریه حضور طولانی مدت نیروهای نظامی آمریکا در عراق را حل کند. هم عراق که نگران تمامیت ارضی خود است و ایران که نگران تهدید نظامی آمریکا است، خواهان حضور نظامی طولانی مدت آمریکا در عراق نیستند و از وجود پایگاه های دایم نظامی آمریکا در عراق حمایت نمی کنند.

واشینگتن البته سوگند یاد کرده که این طور نیست اما اطمینان لازم را هم نداده است. جدی تر از آن، پیشرفته ترین کشورهای دنیا به لحاظ فناوری و تجهیزات نظامی، یعنی آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، ژاپن، روسیه و چین، باید همه به هم ملحق شده و به ایران پیشنهاد همکاری در فناوری صلح آمیز هسته ای و همچنین کار در دیگر منابع انرژی را به ایران بدهند تا هرگونه فعالیت غنی سازی اورانیوم در ایران و یا جداسازی پلوتونیوم، به سمت تجهیزات نظامی، سوق داده نشود. هر چند این پیشنهادها جسته و گریخته پیش از این مطرح شده، اما زمان آن است که به طور جدی و با ذکر جزئیات، این پیشنهاد همکاری داده شود.

هر چند این نظر به طور جدی هم در رسانه های غربی منتشر نشده، اما ایران طی پیشنهادی به بان گی مون، دبیرکل سازمان ملل، یک بسته پیشنهادی داده و یکسری همکاری ها در همه زمینه ها از جمله همکاری های هسته ای را داده است و از جمله درباره مناقشه خاورمیانه هم مسایلی را مطرح کرده است. اگر به طور جدی این پیشنهادها مورد بررسی قرار گیرد، غرب می تواند از ایزوله کردن خطرناک ایران، جلوگیری کند.

برای پایین آوردن تنش ها، هر دو کاندیدای ریاست جمهوری آینده آمریکا، باید قویا ایجاد و تاسیس هرگونه پایگاه دائمی در عراق را تکذیب و آن را رد کنند. ویلیام فاف، تاریخ نگار آمریکایی به تازه گی در ستون خود چنین نوشته است: "ایجاد پایگاه دائمی نظامی آمریکا در عراق، آن کشور را به یک ایالت ماهواره ای آمریکا تبدیل می کند." این کار باعث می شود ایران و دیگر همسایگان عراق، این کشور را به عنوان یک تهدید نگاه کنند و مشوق هایی بدهند تا برنامه هسته ای ایران برای تولید بمب اتمی، سریع تر پیش برود.

صحت قصد ایران در دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته ای در تازه ترین گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی منعکس شده است.

"تهدیدهای آمریکا و سازمان ملل در سالیان گذشته، باعث نشده ایران سیاست های خود را تغییر دهد، حالا چرا باید این فشارها به تغییر سیاست های ایران منتهی شود؟"

در واقع، یک سری از بانک های بزرگ غربی از خواسته آمریکا تبعیت کرده و اعتبار ایرانی ها را معلق کرده اند که این کار، به واردات ایران، از وارد کردن یخچال گرفته تا وارد کردن اسباب بازی، آسیب زده است. اما ایرانی ها حالا از چین و بانک های کوچکتر غربی برای امور واردات و صادرات خود کمک می گیرند. درسی که ایران از این کار می گیرد این است که می تواند راهی برای انجام معاملات خود و انجام موفقیت آمیز آن، پیدا کند.

والبته چیزی فراتر از آن، این که ایران یک قدرت منطقه ای است. با از بین رفتن دشمنان ایران از جمله صدام حسین در عراق و طالبان در افغانستان، آمریکا به ایران کمک کرده و قدرت ایران بیش از پیش شده است.

با بازگشایی سفارت آمریکا در تهران، حذف تحریم های ایران (به جز تحریم های نظامی) و بهبود پیشنهاد قدیمی ایجاد مرکز غنی سازی اورانیوم در روسیه زیر نظارت آژانس بین المللی انرژی اتمی، آمریکا می تواند به رفع تنش های رو به جلو در اقدام نظامی علیه ایران را کاهش دهد.

هوشمندانه ترین راه برای رسیدن به صلح، این است که به جای حذر کردن، غرب را تشویق و ترغیب به سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز ایران و دیگر صنایع (غیرنظامی) کرد و به سرعت ترتیب دور گفت وگوهای مستقیم و در سطح عالی با رهبران ایران را داد.

دیگر لازم نیست که ما خود را در گوشه ای قرار دهیم که نه ایران و نه آمریکا، بدون جنگ نمی تواند از آن بیرون بیاید. ■

ترجمه از انگلیسی: کامیار توانمند